

در آمد نفت و اشتغال: اثر نفرین منابع؟

یک بررسی آماری از تاثیر در آمد حاصل از صادرات نفت خام بر اشتغال در
ایران

دکتر محمد طیبیان

اردیبهشت ماه 1387

/

مقدمه

هدف این مقاله بررسی اثر در آمد حاصل از صادرات نفت خام بر اشتغال در ایران است. بحث اثر در آمد نفت بر اشتغال را نمی توان جدا از تاثیر کلان در آمد نفت بر اقتصاد کشور های صادر کننده نفت از جمله کشور ما، بررسی کرد. نفت در طی حدود یک قرن یک کالای استراتژیک تلقی شده و بر صحنه سیاست و اقتصاد جهان سایه افکنده است. این کالا خصوصاً کشور های صادر کننده را به شکل های مختلف تحت تاثیر قرار داده است. تغییرات قیمت نفت در سه دهه اخیر به صورت تاریخی متفاوت بوده و این نوسانات شدید نیز خود آثار ویژه ای را به همراه آورده است.

خصوصاً اثر نفت بر کشور های بزرگ صادر کننده، مانند ایران، عراق، ونزوئلا، مکزیک، نیجریه و الجزائر، در مقایسه با کشور های کوچک صادر کننده نفت مانند بروئی و امارات متحده عربی و همچنین کشور های اروپائی صادر کننده مانند نروژ و انگلستان بسیار متفاوت بوده است. اثر اقتصادی نفت نیز تا آنجا که به تولید کنندگان بزرگ نفت در طی سه دهه گذشته مربوط است در چارچوب وسیع تر تحولات اقتصادی اجتماعی تاریخ ساز قرار داشته است. به همین دلیل نیز بررسی اجمالی این تحولات تاریخی برای ارائه پاسخ به پرسش اولیه اجتناب ناپذیر است. در بخش بعدی ابتدا به بررسی تحولات قیمت نفت و اثر آن بر کشور های بزرگتر صادر کنند خواهیم پرداخت. سپس مبانی نظری مربوط مطرح خواهد شد. در قسمت بعدی به تاثیر در آمد های نفت بر روند متغیر های کلان اقتصاد ایران توجه می شود و روند تاثیر این در آمد ها بر سطح اشتغال مورد توجه قرار می گیرد.

تاثیر در آمد نفت بر ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور های صادر کننده

اولین فردی که به اثر جامع افزایش قیمت منابع طبیعی از جمله نفت خام بر تغییر ساختار کشور ها پرداخت ریچارد اوتی بود. او در سال 1993 کتابی تحت عنوان "پایدار نمودن توسعه در کشور

های متکی به منابع معدنی: نظریه نفرین منابع"، منتشر کرد که در آن به آثار مخربی که افزایش قیمت منابع طبیعی بر روند توسعه کشور های صادر کننده این منابع اعمال می کند پرداخت^۱. او کسی است که برای اولین بار عبارت " نفرین منابع" را ابداع کرد. این عبارت و عبارت متناظر " نفرین نفت"^۲ جایگاه خاصی در مباحث اقتصادی یافته است.

در سال 1995 مطالعه ای توسط جفری ساکز از دانشگاه کلمبیا انجام شد که نشان می داد عملکرد کشور های صادر کننده مواد خام در امر توسعه اقتصادی به نحو محسوسی بد تر از کشور هائی بوده است که از نظر منابع فقیر تر بوده اند^۳. این نتیجه را با آزمون آماری و به حساب آوردن سابقه تاریخی، در آمد سرانه و موقعیت جغرافیائی کشور ها نیز محک زد و استنتاج کرد که حتی با احتساب این عوامل نتیجه منفی بودن رابطه بین افزایش قیمت منابع طبیعی و رشد اقتصادی کشور ها قابل طرح است. یعنی کشور هائی که در آمد از صادرات مواد خام کسب می کنند نسبت به سایر کشور های مشابه خود عملکرد اقتصادی ضعیفتری داشته اند.

مطالعات متعددی نیز در مورد اثر افزایش قیمت منابع در کشور ها بر ساختار حکومت و نهاد های سیاسی انجام شده است. از جمله می توان به مطالعه میشل راس اشاره کرد. او بر اساس مطالعه 113 کشور بین سالهای 1971-1997 نتیجه گیری می کند که افزایش اتکاء دولتها به منابع طبیعی سبب می شود که آن دولت ها تمایل کمتری به سمت دموکراسی از خود نشان دهند^۴.

یک از مهمترین کتابهائی که در این مورد نوشته شده است کتاب 'پارادوکس وفور: رونق نفتی و حکومت های نفتی' تالیف تری لین کارل است که در سال 1997 به چاپ رسید^۵. این کتاب در جستجوی

¹ . Auty, Richard. *Sustaining Development in Mineral Economies : The Resource Curse Thesis*, Routledge, 1993.

² . oil curse.

³ . Sachs, Jeffrey D. and Andrew M. Warner (1995), "Natural Resource Abundance and Economic Growth," *Development Discussion Paper No. 517a*, Harvard Institute for International Development, Cambridge.

⁴ . Ross, Michael L. (1999) "The Political Economy of the Resource Curse," *World Politics* 51,(2, January), 297-322.

⁵ . Karl, Terry Lynn. *The Paradox of Plenty: Oil Booms and Petro- States*, Berkley: University of California Press, 1997.

جوابی است برای این واقعه تاریخی که کلیه کشورهای عمده صادرکننده نفت بعد از افزایش قیمت نفت در دهه 1970 و وفور در آمدی بی سابقه برای دولتهای آنها، این کشورها با بحرانهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی بی سابقه و دهشتناکی رو برو شدند. کشورهای هائو مانند مکزیک، ونزوئلا، نیجریه، الجزائر، اندونزی، عراق و ایران گوئی به صورت بسیار مشابهی بحرانهای مختلفی را تجربه کردند به نحوی که به نظر می رسد این ثروت ناگهانی به جز مشکلات عظیم دست آوردی به همراه نداشت. این کشورها مشخصاً از نظر فرهنگی، موقعیت جغرافیائی، شرایط تاریخی و نوع حکومت بایکدیگر تفاوت های بارزی داشتند. لکن همه به صورت مشابه راه و روش مشابهی را بر گزیدند و نتایج نامطلوب مشابهی را ایجاد کردند. آیا آنچه که به صورت تمثیل به عنوان 'نفرین نفت' گفته می شود صحیح است؟ یعنی شرایط افزایش در آمد نفت در کشورها بایستی مسیر محتومی را برای این کشورها ترسیم می کرد و سر نوشت گریز ناپذیری را در مقابل آنها رقم می زد؟

نویسنده مزبور در پیشگفتار کتاب از خاطره ای صحبت می کند که به دهه 1970 مربوط می شود. او می گوید در یک گفتگو با وزیر برنامه ریزی ونزوئلا، 'پابلو فرز آلفونزو'⁶ شرکت داشت. آلفونزو به عنوان پایه گذار سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، شناخته می شود. در آن گفتگو آلفونزو گفته بود که "تا ده- بیست سال دیگر در آمد نفت برای ما ویرانی و خرابی به ارمغان خواهد آورد". "ما در فاضلاب ابلیس غرقه خواهیم شد." در شرایطی که همه انتظار داشتند که در آمد نفت فزاینده به توسعه و بهروزی مردم این کشورها کمک کند چنین پیش بینی نشان از بصیرت فوق العاده آلفونزو بود.

متعاقب افزایش قیمت نفت در دو موج، یعنی 1970-1974 و بعد از آن 1980 کشورهای صادرکننده نفت با مشکلات داخلی و خارجی سهمگینی رو برو شدند. چنانکه آثار آن از سال 1983 به بعد با کاهش قیمت نفت به صورت بارزی تجلی کرد. برخی کشورها مانند مکزیک، ونزوئلا و اندونزی با بحرانهای سیاسی داخلی مواجه شدند. برخی نیز مانند نیجریه با کودتا و حکومت نظامی و دوران های طولانی سرکوب و ضایع شدن منابع در آمدی در گیر شدند، بعضی با انقلاب و جنگ خارجی و برخی مانند الجزایر با جنگهای داخلی پر خشونت و خونباری رو برو شدند. توماس فردیمن استدلال می کند که سقوط

⁶ . Juan Pablo Perez Alfonzo

شوروی سابق نیز تا حدودی مربوط به افزایش شدید قیمت نفت و کاهش فاحش آن در سال 1983 بود.^۷ در همه این کشورها اقداماتی پیگیری شد که ضایع شدن منابع از جمله در آمد های تازه فرادست آمده نفت را به همراه داشت.

در هنگام افزایش در آمد های ناشی از قیمت نفت، رهبران این کشورها هر کدام اهداف و جاه طلبی های خاص خود را موعظه و پیگیری کردند. رئیس جمهور ونزوئلا کارلوس اندرز پرز رود ریگز^۸ - که در اولین موج افزایش قیمت نفت بین سالهای 1973-1979 رئیس جمهوری ونزوئلا شد - ادعا می کرد که بزودی قدرت بزرگ آمریکای لاتین خواهد شد و شعار 'ونزوئلا بزرگ' را بر سر زبان مردم انداخت.^۹ او چنین مطرح می کرد که در آینده حتی آمریکا در همه زمینه ها به ونزوئلا وابسته خواهد شد. صدام حسین به دنبال رهبری 'شعب العربی' بود و اینکه با سازماندهی حزب بعث و خرید های نظامی کلان قدرت شماره یک منطقه شود. شاه ایران می خواست به "تمدن بزرگ" دست یابد و علاوه بر خلیج فارس به اقیانوس هند نیز مسلط شود. در زمینه اقتصادی به دفعات در نطق های خود پیشنهاد کرد که "چشم آبی ها" کشور داری را از او بیاموزند. حکومت نیجریه ادعا می کرد یکی از بزرگترین و پر جمعیت ترین کشورهای آفریقا است و با آن در آمد نفت لیاقت رهبری آفریقا را دارد و ابر قدرت فردای دنیا خواهد بود. در اواسط دهه 1980 پس از اینکه میلیاردها دلار توسط این کشورها ضایع شد، شرایط مردم آنها نه تنها بهبود نیافت بلکه اکثرآ بدتر نیز شد. کاخ این آرزوها از سال 1983 به بعد، یک به یک فرو ریخت و سلسله ای از مشکلات و بحران ها به توالی ظاهر گردید. در این حالت بود که آن "غرور و لفاظی و ولخرجی، جای خود را فرو تنانه به سیاست های ریاضت اقتصادی داد." در اکثر کشورهای مزبور مردم این پرسش را مطرح می کردند که **دلارهای نفتی چه شد؟**

این پرسش که چرا برای اکثر این کشورها، آن ثروت بی سابقه و سهل الوصول نه به بهروزی و سعادت بلکه به شور بختی و فلاکت انجامید، پرسش بسیار مهمی است. انتقال در آمد نفت به کشورهای صادر کننده نفت در موج اول افزایش قیمت نفت از 3 دلار به ده دلار بین سالهای 1970-1974 و افزایش به مرز 40 دلار در سالهای بعد از 1980 چنان انتقال ثروتی را ایجاد کرد که هرگز در تاریخ سابقه

⁷ . Friedman, Thomas. "The First Law of Petropolitics," Foreign Policy, May/June 2006.

⁸ . Carlos Andres Perez Rodriguez

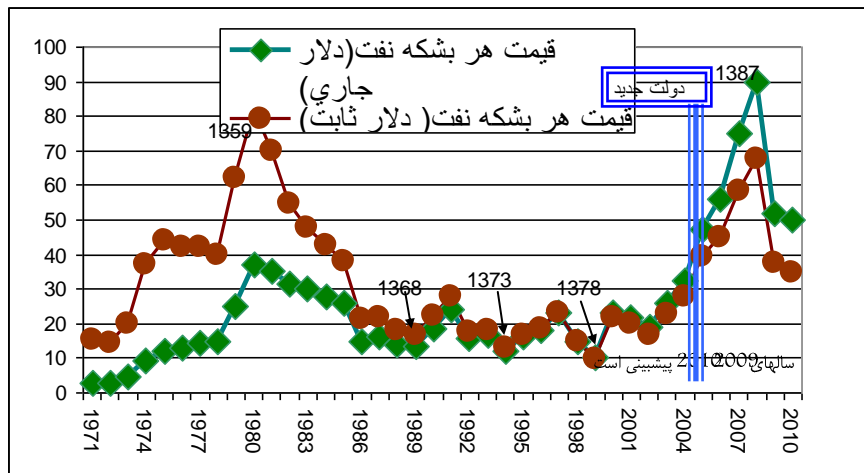
⁹ . La Gran Venezuela

نداشت و موارد مشابه چنین انتقال ناگهانی ثروت به سوی حکومتها شاید در تهاجم اروپائیان به آمریکا پس از کشف قاره جدید و غارت مردم آن کشورها و حوادث مشابه تاریخ قابل مشاهده است.

پس از اولین موج افزایش قیمت نفت، منابع در اختیار کشورهای اوپک در طی سه سال در مجموع یازده برابر شد. نمودار 1 روند قیمت نفت را بر حسب قیمت های جاری و ثابت بعد از 1971 ترسیم می کند. افزایش اولیه قیمت اسمی و واقعی نفت در سالهای 1973 و 1974 مجدداً با افزایش شدیدتری در سال 1980 همراه شد. قیمت نفت خام بدون احتساب تورم در سال 1980 به یک رکورد تاریخی رسید لکن به تدریج کاهش یافت و در مدت کوتاهی در سال 1986 به نازل ترین حد تاریخی خود کاهش یافت. گرچه قیمت واقعی (بر حسب قیمت های ثابت) در سالهای اخیر نیز افزایش یافته و قیمت های اسمی از مرز 100 دلار گذشته است لکن هنوز قیمت های ثابت از سطح سالهای اولیه دهه 1980 فراتر نرفته است.

این دو افزایش قیمت نفت یک انتقال عظیم ثروت را به کشورهای صادر کننده نفت عملی ساخت، لکن این انتقال عظیم ثروت برای این کشورها به جز مشکلات عدیده مانند جنگ، خون ریزی تلفات و بی نوائی نتیجه بارز دیگری به همراه نداشته است. راستی چه می شود که یک چنین انتقال حجیم ثروت به جای تاثیر مثبت، در مجموع فقط تاثیر منفی ایجاد می کند؟ کتاب کارل پژوهشی است برای ارائه پاسخ به این پرسش.

نمودار 1. قیمت اسمی و حقیقی نفت خام 1971-2010
 ارقام 2009 و 2010 پیشبینی است.



کارل در کتاب 'پارادوکس وفور' استدلال می کند که به نظر می رسد بایستی زمینه های مشترکی را در بین این کشور ها جستجو کرد. شرایط مشترکی که دامنه تصمیم گیری را به حیطه های خاصی تقلیل می دهد. به بعضی تصمیم ها و شکل هائی از رفتار بیش از انواع دیگر پاداش می دهد و رفتار و رجحان های تصمیم گیرندگان را به گونه ای شکل می دهد که مناسب پیشرفت کشور نیست. این تصمیم گیرندگان ممکن است مدیران سیاسی، مدیران موسسات دولتی و خصوصی و صاحبان حرفه و بازرگانان و یا افراد عادی باشند. چگونه می توان در این در آمد جدید و باد آورده شریک شد؟ این پرسشی است که در ذهن هرکسی مطرح می شود که از وجود چنین در آمدی آگاه می شود و یا آثار آن را در زندگی آن دسته از کسانی می بیند که زود تر از آن بهره مند شده اند. این بهره مندان متنعم معمولاً از درون سیستم سیاسی و یا نزدیک به آن هستند. ترتیب های جدیدی، در اطراف هزینه کردن و به چنگ آوردن این ثروت و یا به زیر کنترل گرفتن آن، در سازمان دهی قدرت در جامعه شکل می گیرد. به گونه ای که بعضی بازی-گران صحنه قدرت حصه غیر متناسب و منافع خود را، از طریق افزایش هزینه کلی برای جامعه، ایجاد مانع در مراحل تحول و پیشرفت کشور، به چنگ می آورند.

مبانی نظری اثر نفرین نفت

پدیده نفرین منابع، در اصطلاح به اثر چند جانبه مخربی که از محل افزایش قیمت نفت و سایر منابع طبیعی بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع صادر کننده اعمال می شود، اطلاق می گردد. برای این پدیده که عمدتاً در مورد کشورهای بزرگ صادر کننده مواد معدنی مشاهده می شود، دلایل مختلفی مطرح شده است. اقتصاد دانان ابتدا مسئله بیماری هلندی را مطرح کردند. این توضیح گرچه بسیار گویا است لکن تمام اجزاء آثار اجتماعی و سیاسی که ایجاد می شود را پوشش نمی دهد. به همین دلیل نیز بسیاری از محققین نظریه هائی را توسعه دادند که وجوه مزبور را به صورت جامع تر توضیح دهد. این نظریه ها در مطالعات آماری مختلف مورد آزمون قرار گرفت. در قسمت بعدی این نظریه ها به اجمال توضیح داده می شود.

بیماری هلندی

اقتصاددانان مدتها است که به آثار افزایش نسبی قیمت منابع طبیعی صادراتی بر ساختار کشور صادر کننده توجه کرده اند. لکن عبارت بیماری هلندی ابتدا توسط مجله اکونومیست در سال 1977 برای توضیح شرایط اقتصادی هلند در دهه 1960 مطرح شد، در زمانی که منابع گاز در این کشور کشف شد و صادرات گاز و واردات ارزاتر کالاهای خارجی منجر به ضربه زدن به بخش صنعت کشور مزبور گردید.

به دلیل فزایش قیمت منابع صادراتی در آمد ارزی کشور صادر کننده افزایش می یابد. این امر ارزش پول داخلی کشور را افزایش می دهد، در نتیجه قیمت کالاهای وارداتی که با ارز حاصل از فروش منابع طبیعی وارد می شود کاهش می یابد. این امر سبب می شود که تولید کنندگان کالاهای داخلی با زبان روبرو شوند. کاهش نسبی قیمت کالا های قابل مبادله در بازار های بین المللی انگیزه سرمایه گذاری و توسعه این بخشها را کاهش می دهد. اثر دیگر این امر نیز افزایش نسبی قیمت کالاهای غیر قابل تجارت خارجی است. مانند زمین مستغلات و خدمات داخلی که امکان صادرات و واردات آنها وجود ندارد. این عوامل ساختار اقتصاد را دچار تغییر نامطلوب می نماید. چه اینکه بخشهای تولید کننده کالا و خدمات قابل مبادله در تجارت بین الملل خصوصاً بخش صنعت دچار رکود و عقب ماندگی می گردد. به طور خلاصه بیماری هلندی به امر صنعت زدائی ناشی از فراوانی در آمد ارزی، ارزانی ارز خارجی و وفور واردات اشاره دارد.

اثر مالیات گیری^{۱۰}

طی دهه های اخیر اقتصاد دانان متوجه این امر شده اند که مالیات بسیار فراتر تر از یک ابزار کسب در آمد برای دولت ها عمل می کند. هنگامی که دولتها مخارج خود را از محل در آمد مالیاتی کسب می کنند بایستی به نیاز های مردم نیز مسئولانه توجه کنند. مالیات دهنده انتظار دارد بر چگونگی هزینه کردن مالیات نظارت داشته باشد. انتظار دارد که منابع مالیاتی با کارائی هزینه شود و ساختار دولت به صورت کار آمد فعالیت نماید. مالیات دهنده انتظار دارد در تصمیم گیری های دولتی مشارکت داشته باشد و به دنبال آن است که نمایندگانی انتخاب کند که در امر تصویب مالیات و تعیین چگونگی هزینه کردن آن از جانب وی نمایندگی موثر داشته باشند و نظارت کنند. به همین دلایل نیز در جامعه ای که متکی بر مالیات است به تدریج نهاد های مختلف سیاسی و اجتماعی شکل می گیرد و روال ها و رویه های شفافیت هزینه، پاسخگوئی دولت به مردم و مسئولیت پذیری شکل گرفته و پایدار می شود. همراه با اینگونه تر تیب ها نهاد های سیاسی مشارکت مردم و تنبیه و تشویق دولت ها پایدار می شود. هنگامی که دولت یک کشور از محل در آمد نفت منابع بودجه ای کافی بدست می آورد با عدم پیگیری در آمد های مالیاتی پاسخگوئی و مسئولیت پذیری در مقابل مردم را منتفی می کند. در چنین شرایطی تمام نهاد های مدنی که از آنها نامبرده شد ضرورت وجودی خود را از دست می دهند.

اثر هزینه ای^{۱۱}

هنگامی که در آمد دولت از محل صادرات نفت حاصل می شود و نهاد های دموکراتیک برای نظارت بر آن موجود نیست این منابع بر اساس اولویت های دولت هزینه می شود. در این شرایط دولتها این در آمد هارا در جهت تقویت گروه های اجتماعی مدافع خود هزینه می کنند و نیرو های اجتماعی منتقد و معارض را در ضعف نگه می دارند. اثر هزینه ای ابعاد دیگری نیز دارد. برای مثال هزینه های دولتی در مراکز شهری انجام می شود، چون ذی نفعان حکومت در شهر ها هستند. بر داشت و صدور منابع معمولاً توسط تکنولوژی خارجی و ماشین آلات وارداتی و نیروی کار متخصص معدود انجام می شود بنابراین اثر توسعه بالا دستی و پائین دستی فراهم نمی کند. معمولاً در کشور های صادر کننده نفت مناطق نفت خیز دارای جمعیت فقیر بوده و مناطق روستائی عقب مانده باقی می ماند، لکن چند شهر حکومتی به طور غیر متناسب رشد کرده و محل تمرکز ثروت می شود.

¹⁰ . taxation effects

¹¹ . spending effect

اثر بر تشکیل گروهها^{۱۲}

منابع حاصل از صادرات نفت توسط دولتها برای جلوگیری از تشکیل تشکل های مستقل خصوصاً گروههایی می شود که متقاضی حقوق سیاسی هستند. در غیاب چنین منابعی امکانات گروههای سیاسی برای تشکیل نهاد های سیاسی و اجتماعی کمتر است.

اثر بر سرکوب^{۱۳}

در آمد های حاصل از منابع طبیعی برای دولت ها امکان تشکیل گروههای نظامی و شبه نظامی ، پرداخت های جذاب به این گروهها و مسلح و تجهیز کردن این گروهها را فراهم می کند. به گونه ای که این گروهها از قدرت حاکم دفاع کرده منتقدین و مخالفین را سرکوب و به تدریج رژیم های استبدادی را به کشورهای خود مسلط و امکان تحول و بهبود صلح آمیز نظام سیاسی را منتفی می کنند.

اثر بر مدرن سازی^{۱۴}

حکومت های دارای در آمد قابل ملاحظه از محل منابع، نیازی به استفاده از تخصص نمی بینند. چه اینکه نیاز های خود را از طریق صرف در آمد های حاصل از صادرات منابع بر طرف می کنند. ضرورتی برای بهبود کار آئی نمی بینند چه اینکه عدم کار آئی را با صرف در آمد های سهل الوصول می پوشانند. مدیریت سازمانها و شرکت ها و ادارات را به افراد مورد اعتماد و بی لیاقت می سپارند چون این دولت ها نسبت به افراد شایسته بی اعتماد هستند. زیرا افراد دارای شایستگی تخصصی دارای توان چانه زنی و سازمان دهی و ارتباط قوی نیز هستند و می توانند مراکز قدرت خاص خود را ایجاد کنند. با حذف این گونه افراد، حکومت ها کشور را از نیرو های کار آمد بی بهره کرده و دامنه و غنای توسعه کشور را محدود می کنند.

بی ثباتی در آمدی^{۱۵}

¹² . group formation effect

¹³ . repression effect

¹⁴ . modernization effect

¹⁵ . revenue volatility

بی ثباتی در آمد ناشی از نوسانات قیمت نفت امکان برنامه ریزی مستمر و پایدار را برای دولتها منتفی می کند. سبب می شود که در زمان رونق در آمدی، پروژه های نسنجیده شروع شود و در زمان رکود درآمدی پروژه های غیر سیاسی رها گردد. این امر خود در ضایع شدن منابع تاثیر به سزائی دارد.

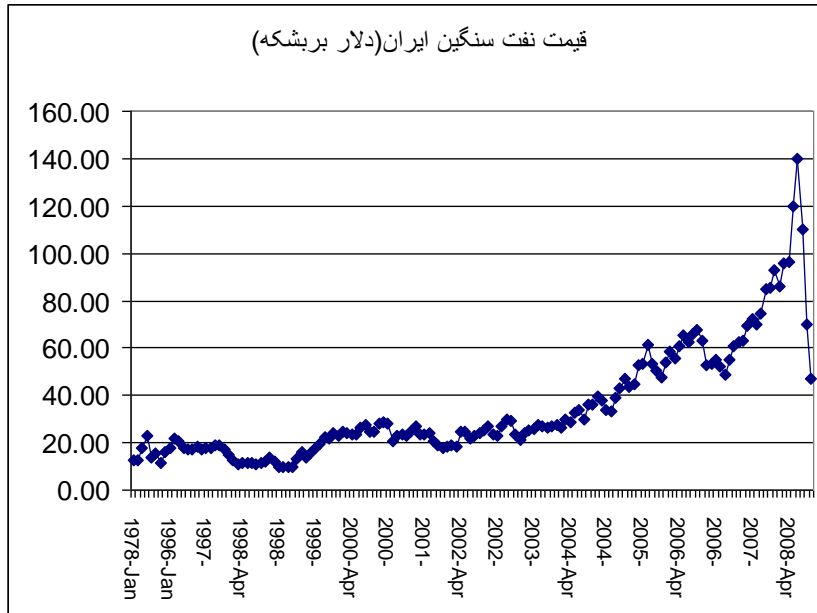
به طور خلاصه می توان گفت که مطالعات مختلف این عوامل را در تاثیر قیمت منابع بر کشورهای صادر کننده شناسائی کرده اند. اثر بیماری هلندی، رانت جوئی جمعی، معارضه های داخلی بر سر تقسیم منابع و کسب قدرت کنترل در آمد های نفت، فساد مالی و عدم احساس نیاز به پاسخگوئی و مسؤلیت پذیری، و همچنین تشدید معارضه های بین المللی بین کشورهائی که از طریق دست یابی به خرید تسلیحات به دنبال حل معضلات تاریخی منطقه ای خود می روند و کاهش تمایل به دموکراسی. توماس فریدمن بر اساس جمع بندی مطالعات انجام شده و استناد به شواهد مختلف، قانونی را تبیین می کند که آن را 'قانون اول سیاست نفتی'¹⁶ نام گذاری می کند. آن قانون چنین است: 'مشاهده می شود با افزایش در آمد حاصل از منابع، تمایل دولت ها به دموکراسی کاهش می یابد.'

اثر در آمد حاصل از صادرات نفت خام بر متغیر های کلان ایران

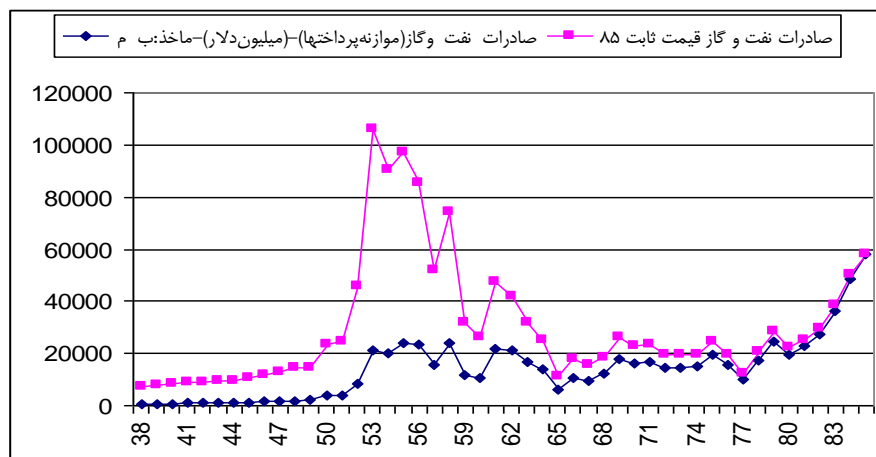
گرچه نفت نیز کالائی است دارای تنوع و انواع نفت کشور ها نیز بر حسب کیفیت درجه سبک بودن و نزدیکی به بازار های عمده دارای قیمت های مختلف است، با این وجود قیمت نفت ایران نیز بر حسب همان روند کلی جهانی افزایش داشت. نمودار 2 روند قیمت نفت ایران را از ژانویه 1978 تا آوریل 2008 یعنی سی سال اخیر نشان می دهد. این روند فزاینده قیمت نفت خام سبب شد منابع ارزی قابل ملاحظه ای در برخی مقاطع در اختیار کشور قرار گیرد. از آنجا که افزایش در آمد های نفت به تنهائی نشان دهنده منابع حقیقی در دسترس نیست بایستی این در آمد ها را بر حسب قیمت کالا و خدمات قابل خریداری، به قیمت ثابت تبدیل کنیم. در اینجا از شاخص تورم در کشور های OECD که طی زمان مهم ترین طرفهای تجاری ایران بوده اند استفاده کرده ایم. در نمودار 3 در آمد های ارزی حاصل از صادرات نفت خام به قیمت های جاری و ثابت ترسیم شده است.

¹⁶ . Friedman, Thomas. "The First Law of Petropolitics," Foreign Policy, May/June 2006.

نمودار 2. قیمت اسمی نفت سنگین ایران بین ژانویه 1978 تا آوریل 2008



نمودار 3. درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به قیمت های جاری و ثابت 1338-1386



در شکل فوق دو دسته اطلاعات ترسیم شده است. نمودار پائین روند در آمد حاصل از صادرات نفت به قیمت جاری را ترسیم می کند. نمودار بالا تر روند در آمد نفت را به قیمت ثابت سال 1386 نشان می دهد. به همین دلیل نیز برای این سال ارقام در آمد حاصل از صادرات نفت به قیمت جاری و ثابت با یکدیگر برابر است.

در آمد حاصل از صادرات نفت خام تحت تاثیر قیمت و تعداد بشکه نفت صادراتی است. به دلیل تغییر در میزان صادرات نفت روند در آمد ها اندکی با روند قیمت متفاوت است. چنانکه ملاحظه می شود، در آمد حاصل از صادرات نفت خام کشور با احتساب تورم جهانی در سال 1354 در حد بالاترین رکورد تاریخی خود قرار داشته است و به تدریج کاهش یافته است. همین اطلاعات نشان می دهد که رقم در آمد های حقیقی از صادرات نفت در سال 1365 در پائین ترین سطح تاریخی خود قرار داشته و از سال 1378 به بعد نیز روند افزایش قیمت نفت کماکان ادامه یافته است.

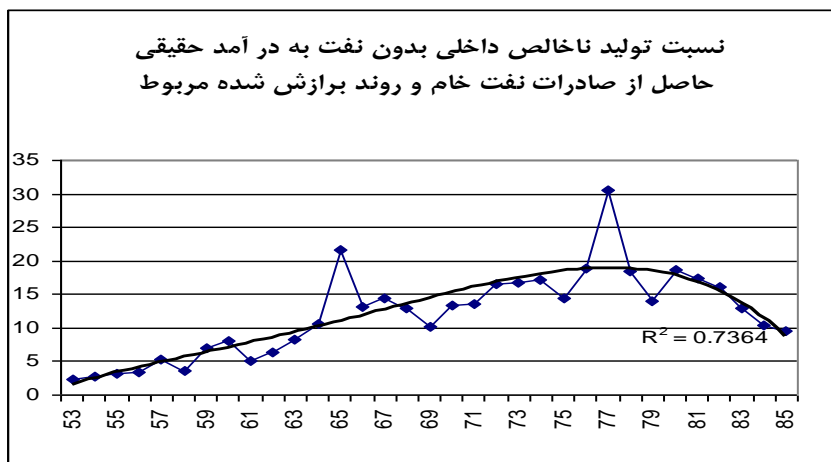
در آمد حاصل از صادرات نفت خام و اشتغال زائی اقتصاد کشور

همانگونه که اشاره شد افزایش های مقاطع مختلف تاریخی در قیمت نفت، از جمله سالهای اخیر منابع قابل توجهی را در اختیار کشور قرار داده است. تاثیر این منابع بر اقتصاد به چه میزان است؟ آیا میتوان صحت یا

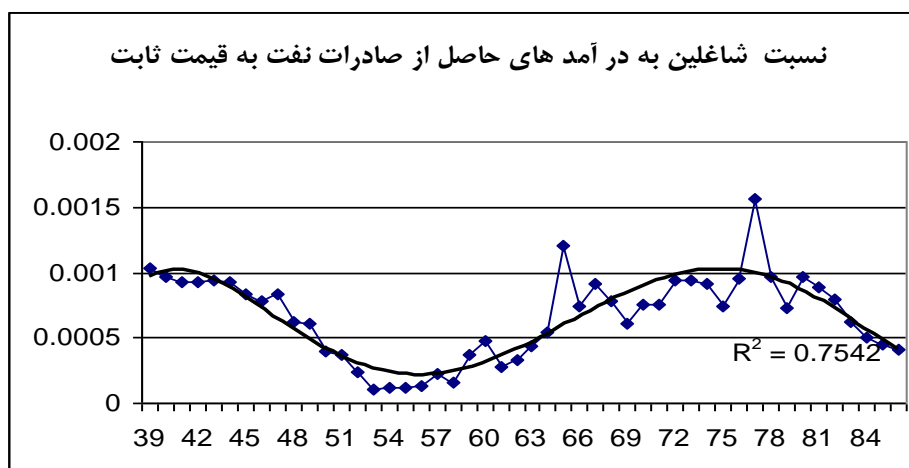
عدم صحت "نفرین نفت" را بر اساس شواهد آماری آزمون کرد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا روند تاثیر پذیری تولید از درآمدهای نفتی را بررسی می‌کنیم. طی تاریخ چند دهه اخیر دولتها قسمتی از درآمدهای نفتی را صرف مصرف خصوصی، مصارف دولتی و مصارف نظامی کرده‌اند. بخشی از این درآمدها نیز صرف تشکیل سرمایه داخلی شده است. این بخش نیز در مواردی صرف پروژه‌های ضایعه آمیز گردیده است. با توجه به موارد مزبور پاسخ به این پرسش که چه میزان از این درآمدها صرف امور شده است که بتواند اشتغال پایداری ایجاد کند بسیار مشکل است. در این بررسی سعی می‌شود پاسخ به این پرسش در چند مرحله ارائه شود. در نمودار 4 نسبت تولید ملی غیر نفتی به درآمدهای واقعی حاصل از صادرات نفت ارائه شده است. این نمودار در واقع به نوعی کار آئی کلان استفاده از منابع درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را نشان می‌دهد. به این معنی که نشان می‌دهد در قبال هر دلار حاصل شده از درآمد نفت چه میزان تولید در سایر بخشها ایجاد شده است. در اینجا قدرت خرید درآمدهای نفتی (درآمد نفت به قیمت ثابت) را مانند یک نهاده ای در نظر می‌گیریم که به کل اقتصاد وارد شده و در مقابل آن کل ارزش افزوده بخشهای غیر نفتی را به عنوان ستانده مورد توجه قرار می‌دهیم. هدف این است که تعیین کنیم آیا روند قابل توجهی در این مورد قابل مشاهده است یا نه. نمودار 4 نشان می‌دهد که برای مقاطعی تولید ناخالص داخلی غیر نفتی در ازاء هر دلار درآمد نفت در مقطعی صعودی و در طی حدود هشت سال اخیر نزولی بوده است. در مورد دو سال استثنائی نیز ضروری است توجه کنیم که این جهش به دلیل کاهش درآمدهای نفتی در سالهای 1365 و 1377 اتفاق افتاده و در واقع مربوط به کاهش مخرج کسر است.

در نمودار 5 نسبت تعداد شاغلین کشور به درآمدهای واقعی حاصل از صادرات نفت ترسیم شده است. با توجه به اینکه جمعیت فعال کشور پیوسته در حال افزایش بوده است، این نمودار نیز روند قابل توجهی را نشان می‌دهد. به این معنی که به نظر می‌رسد علیرغم تولید فزاینده به ازاء هر دلار از درآمدهای نفت در

نمودار 4. نسبت تولید ناخالص داخلی بودن نفت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت به قیمت ثابت و روند برآزش شده



بعضی مقاطع توان کار آفرینی در آمد های نفتی کاهش یافته است. این مطلب خصوصاً در سالهای قبل از انقلاب قابل توجه است. این نیز می تواند به دلیل تمایل به اجرای طرح های سرمایه بر در زمان موج جدید افزایش قیمت نفت بوده باشد. در حدود هشت سال اخیر هم روند تولید غیر نفتی حقیقی به در آمد حقیقی نفت و هم روند اشتغال به در آمد حقیقی نفت روند کاهنده ای را نشان می دهد که می تواند نشان دهنده افزایش عدم کار آئی در استفاده از منابع در آمد نفت باشد.



به منظور بررسی دقیق تر این رابطه از یک الگوی اقتصادسنجی استفاده شده که به صورت الگوی تصحیح خطا تخمین زده شده است. در این الگو متغیرهای به کاررفته عبارتند از

E_t تعداد شاغلین به درآمدهای حقیقی حاصل از صادرات نفت خام

P_t قیمت حقیقی نفت خام سبد اوپک

در معادله مزبور Δ برای نشان دادن تغییرات هر متغیر نسبت به سال قبل به کار رفته است. معادله زیر تغییرات شاغلین به درآمدهای حقیقی حاصل از صادرات نفت خام را بر حسب تغییرات قیمت حقیقی نفت و مقادیر همان متغیرها با یک تاخیر زمانی نشان می دهد. مقادیر ذیل هر پارامتر آماره t را نشان می دهد.

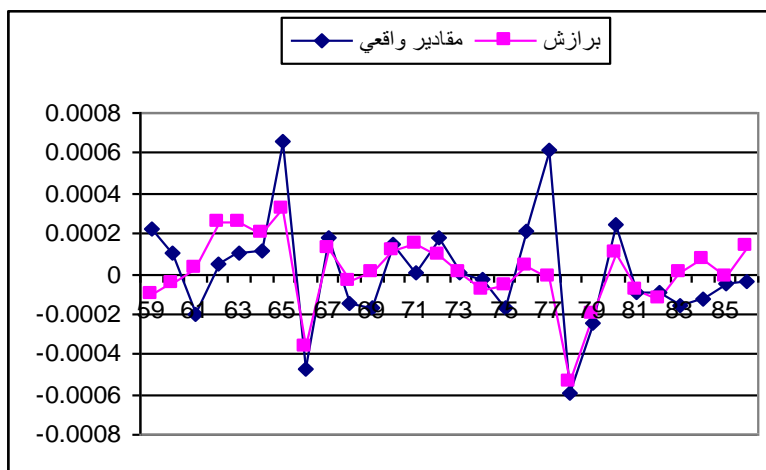
$\Delta E = 0.000987 - 1.479 \Delta P - 0.9257 E_{t-1} - 1.0545 P_{t-1}$			
	3.76	-2.73	-4.19
			-2.76
$\bar{R}^2 = 0.396$			

در این معادله ضریب Δp اثر کوتاه مدت و نسبت ضریب P_{t-1} به ضریب E_{t-1} یعنی

$$\frac{-1.0545}{-0.9257} = 1.39$$

در واقع اثر بلند مدت قیمت حقیقی نفت بر اشتغال زائی درآمدهای حاصل از صادرات نفت را نشان می دهد. ضریب برازش معادله 0.396 است. این رقم، با توجه به اثر عوامل مختلف دیگر از جمله عوامل سیاسی و بین المللی و درجه اطمینان نسبت به سرمایه گذاری و سایر عوامل تاثیر گذار که در این معادله وارد نشده است، رقم قابل توجهی است. در نمودار 6 روند ΔE و مقادیر برازش شده توسط الگو نشان داده شده است.

نمودار 6. روند متغیر وابسته و ارقام برازش شده توسط الگو



نتایج حاصله از الگو نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی یعنی 1359-1386 اثر کوتاه مدت افزایش قیمت نفت بر اشتغال منفی و قابل ملاحظه است. اثر بلند مدت مثبت و اندکی کوچکتر از اثر کوتاه مدت است. این نتیجه نیز قابل توجیه است. زیرا در کوتاه مدت واردات کالا و سایر سیاستهای دخالتی دولت که در آمد نفت امکان پذیر می کند و رانت جوئی جمعی سبب می شود بنیاد سرمایه گذاری و تولید مولد و اشتغالزائی دچار خدشه شود. لکن در بلند مدت به هر حال بخشی از این منابع وارد نظام اقتصادی شده و ایجاد ظرفیت کار آفرینی می کند. لکن در مجموع این دو اثر یک دیگر را خنثی کرده و در طی این دوره اثر اشتغالزائی چندانی مازاد بر آنچه روند معمول اقتصاد انجام می داده حاصل نشده است.

یک دوره رونق نفتی ده ساله و تحولات اشتغال

در این بخش گزارش از اطلاعات سرشماری عمومی مرکز آمار استفاده می شود تا روند عمومی اشتغال و ترکیب اشتغال در بخش ها را بررسی کنیم. این آمار نیز به طور جداگانه اثر بیماری هلندی بر اقتصاد کشور را نشان داده و نتایج بررسی قسمت قبلی را تأیید می کند.

بررسی دکتر غلامعلی فرجادی در مورد مقایسه آمار اشتغال بین دو سر شماری سالهای 1375 و 1385 نتایج قابل توجهی را بدست می دهد.¹⁷ یک نتیجه قابل توجه افزایش شهر نشینی در این دوره است، به

¹⁷ فرجادی، غلامعلی. "مرور بر وضع موجود بازار کار، اشتغال و بیکاری در سال 1385، وزارت کار و امور اجتماعی، 1386.

نحوی که قدر مطلق رشد جمعیت شهری از قدر مطلق رشد کل جمعیت بیشتر شده است. رشد جمعیت فعال معادل 4 در صد بوده در حالی که رشد جمعیت شاغل معادل 3.8 در صد بوده است به همین دلیل نیز بیکاری طی ده سال سالها افزایش یافته است. به این نحو که با توجه به اینکه نرخ رشد جمعیت فعال از نرخ رشد اشتغال بیشتر بوده تعداد بیکاران دو برابر شده و در سال 1385 به 3 میلیون نفر رسیده است. بیکاران شهری 62.5 در صد از بیکاران را تشکیل می دهند. این رویکرد نیز شبیه رویکرد مورد انتظار از بیماری هلندی است زیرا هزینه کردن دولتی در آمد نفت، در آمد در محل مراکز حکومتی را افزایش داده و سبب جلب شدن مهاجرت به این مناطق می شود.

به منظور بررسی دقیق تر می توان به تغییرات اشتغال بر حسب بخشهای مختلف نیز توجه کرد. در جدول 1 اشتغال در هر بخش اقتصاد در مقطع دو سر شماری قید شده است. این بخشها بر حسب نرخ رشد سالانه اشتغال زائی ردیف شده اند. نتایج این جدول نیز قابل توجه است. چرا که نشان می دهد بخشهای غیر قابل مبادله بین المللی بیشترین رشد اشتغال را داشته اند. بخش های تولید کننده کا لا های قابل مبادله بین المللی مانند صنعت و کشاورزی دارای کمترین نرخ رشد اشتغال بوده اند. بخش آموزش و امور اداری نیز که رشد اشتغال پائینی دارند بخشهای دولتی هستند و اشتغال در آنها تابع کار کرد های متعارف اقتصادی نیست.

جدول 1- ترکیب جمعیت شاغل بر حسب بخش اقتصادی طی سالهای 85-1375 ردیف شده بر حسب نرخ رشد سالانه

نرخ رشد سالانه	1375	1385	
----------------	------	------	--

7.041	14571572	20476343	جمع کل
24.346	149090	443204	مستغلات، اجاره و فعالیت های کاروکسب
19.838	880	2175	سازمانها و هیئت های برون مرزی
17.812	84778	192411	هتل و رستوران
14.826	972792	1941909	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات
14.122	38727	74967	شیلات
14.038	224405	432798	سایر فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
13.658	257028	487507	اظهار نشده
12.162	152872	271366	واسطه گری های مالی
11.433	303139	520837	بهداشت و مددکاری اجتماعی
9.776	1650481	2631142	ساختمان
8.942	1842289	2827057	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر و وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگی
8.338	150631	224811	تامین برق، گاز و آب
6.432	2551962	3485191	صنعت - ساخت
5.412	1041056	1354959	آموزش
4.897	119884	152254	استخراج معدن
1.925	1618100	1779926	اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری
1.708	3318536	3611780	کشاورزی، شکار و جنگلداری
-9.211	61970	38224	فعالیت های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیتهای تولیدی غیر قابل تفکیک
-34.995	32952	3825	دفاتر مرکزی

منبع: مرکز آمار ایران - نتایج اولیه سرشماری کل کشور - 1385

در نمودار 7 نیز همان اطلاعات جدول 1 ترسیم شده است. در مجموع می توان دریافت که روند های مشاهده شده آماری دلالت بر وجود بیماری هلندی و آسیب دیدن بخش های تولیدی کشور از افزایش قیمت نفت خام و افزایش در آمد های ارزی در دست دولت می کند. این امر نیز به دلیل واردات کالاهای قابل مبادله از خارج و پائین ماندن نرخ ارز و زیان رقابتی تولید کنندگان داخلی چه در بازار داخلی و چه در بازار خارجی است. به این آثار بایستی هزینه های اجتماعی رقابت گروهها و افراد برای رانت جوئی جمعی و کشمکش های سیاسی که از آن حاصل می شود را نیز اضافه کرد.

